

اگر عطار نبود، مولانای نداشتیم

نوشتاری از دکتر فاطمه مجیدی، استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیشابور، به مناسبت بزرگداشت عطار نیشابوری



- «تذکره الاولایا»ی عطار، گل سرسید نثر عرفانی از وقتی یادم می آید، از پیران و عارفان و عالم عرفان خوشم می آمد. وقتی دست روزگار مرا به وادی ادبیات کشید، این علاقه را با خواندن آثار عرفانی ادامه دادم و سال هااست که به تدریس دروس عرفانی رشته زبان و ادبیات فارسی و مطالعه و پژوهش در شعر عطار مشغولم. پس از سال ها همراهی با ادبیات عرفانی چنان دریافتم که وجود عطار کدکنی نیشابوری، در قلمرو شعر و نثر عرفانی چون خورشید است در منظومه شمسی. اگر عطار نبود، مولانایی چنین نداشتیم. «تذکره الاولایا»، ی عطار گل سرسید نثر عرفانی است و غزلیات و مثنوی های عطار گنجینه هایی گران بها در شعر عرفانی و حکایت های عرفانی. چنین شد که رهرو را عطار شدم و شاگرد اندیشه های وی و هر آن کس که در پی شناخت اوست.

- گزیده‌ای برپایه مثنوی‌های عطار به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی چنان که می دانیم، حجم قابل توجهی از آثار منظوم عطار در قالب مثنوی است که عبارت اند از: الهی نامه، اسرارنامه، منطق الطیر و مصیبت نامه. مجموع ایبات این چهار مثنوی حدود ۲۲ هزار بیت است که خواندن آن برای کسی که بخواهد درباره عطار به شکل تخصصی پژوهش کند، لازم و بایسته است؛ اما برای کسی که بخواهد با چکیده اندیشه های عطار آشنا شود و از مثنوی های او لذت ببرد، شاید خواندن این حجم از اشعار دشوار باشد. ضمن اینکه دانشجویانی که باید درس مثنوی های عطار را در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی بگذرانند، به متنی نیاز داشتند که بشود در دو واحد درسی و در یک ترم تحصیلی آن را بخوانند و نبودن چنین متنی موجب می شد که در بسیاری از دانشگاه های کشور، فقط به خواندن مقداری از متن «منطق الطیر» بسنده شود. ازاین رو، من از همان سال ۱۳۹۱ که سرفصل جدید دوره کارشناسی ابلاغ شد و درس مثنوی های عطار جایگزین درس منطق الطیر شد، مشغول تدوین این کتاب شدم. این گزیده که حاصل چندین سال تدریس درس منطق الطیر در سرفصل قدیم و مثنوی های عطار در سرفصل جدید و خوانش دقیق مثنوی های عطار است، برای این درس تهیه شده است. در گزینش از مثنوی ها به ویژه مثنوی هایی که یک داستان بلند اصلی دارند، تلاش بر این بوده است که ساختار داستان اصلی حفظ شود و مهم ترین بخش های هر مثنوی نیز در گزیده باشد. ضمن اینکه در این گزیده حکایت های بلند فرعی در «منطق الطیر» و «الهی نامه» (شیخ صنعان، سرپایک هندی، زن صالحه، رابعه) که جزو حکایت های مشهور مثنوی های عطار هستند، با تلخیصی محتاطانه آورده شده است. در تعلیقات ضمن بیان معانی واژه ها و معنی برخی ابیات بنا بر ایجاز بوده است. تا هم دست استاد درس بازتر باشد و هم حجم و به تبع آن قیمت کتاب زیاد نشود؛ البته از آنجا که در تدریس این درس هنوز تأکید بر «منطق الطیر» است، تعلیقات این مثنوی تفصیل بیشتری دارد. گزینش این مثنوی ها از متن مثنوی های عطار به تصحیح دکتر شفیعی کدکنی انجام گرفته است.

- مطالعه آثار عطار، نگاه هنری به الهیات و مذهب را به ما می آموزد اگر کتاب «زبان شعر در نثر صوفیه» شفیعی کدکنی را مطالعه کنیم، می بینیم که او عرفان را نگاهی هنری به الهیات و مذهب می داند و بیان می کند مادر عرفان و هنر با بعد عاطفی و وجه عاطفی زبان سرورکار داریم و عارف، دین و الهیات را برای ما زیبا می کند. ما در آثار عطار این نگاه هنری به الهیات و مذهب را می بینیم به ویژه در حکایت هایی که عطار درباره مشایخی چون حلاج، بایزید بسطامی و ابوسعید ابوالخیر می آورد که با نگاه خویش، دین و مذهب و فقه را برای ما زیبا می کند. یکی از دلایلی که ما به عنوان انسان عصر مدرن نیاز داریم کتاب هایی مانند مثنوی های عطار را بخوانیم، این است که نگاه هنری به الهیات و مذهب را یاد بگیریم تا با همین نگاه بتوانیم دین را برای خودمان زیباتر کنیم و بتوانیم ارتباط خود را با خداوند معنا دار کنیم، چون دلیل خلقت ما انسان ها، دوست داشتن خداوند و عشق ورزیدن و عبادت کردن است و خود خداوند می فرمایند: جن وانس را نیافریدم به جز برای آنکه مرا عبادت کنند.

- ما می توانیم این نوع عبادت را از عرفا و بزرگان عرفان بیاموزیم و با نگاه آن ها دین را ببینیم، متون عرفانی، این نگاه را به ما می آموزند. در این روزگار بیش از هر زمانی ما انسان ها به این نگاه نیاز داریم تا از جزم اندیشی ها و نگاه خشک و متعصبانه به الهیات و مذهب پرهیز کنیم و ارتباط عاشقانه و زیبایی با خداوند برقرار کنیم. نکته دیگری که خواندن مثنوی های عطار را ضروری می کند، لذت بردن از حکایت ها و استفاده از این حکایت ها به عنوان مضامینی برای استفاده در داستان نویسی و نوشتن نمایشنامه های امروزی است. بسیاری از حکایت های عطار این ظرفیت را دارند که به نمایشنامه یا رمان و داستان امروزی تبدیل شوند.



شبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
۲۰، رمضان ۱۴۴۵
شماره ۲۹۱۱

۱۰



فرهنگ و ادبیات



شهر اول



شاعر و پژوهشگر حافظ شیرازی

پیر نیشابور با هر نگرشی قطعا جزو «اشاعر برتر تاریخ ادبیات فارسی است و در کنار نام بزرگ و عزیزش می توان به نام های شمس الدین حافظ شیرازی، مولانا جلال الدین بلخی، سعدی شیرازی، حکیم نظامی گنجوی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکیم عمر خیام نیشابوری، مولانا بیدل دهلوی و شاعران دیگر بزرگ و ستوده شده اشاره کرد؛ اما لحاظ این تقسیم بندی که او را و آثار ادبی او را جزو گران بهاترین و ارزشمندترین شاعران و خالقان شعر پارسی از رودکی سمرقندی تا امروز تثبیت می کند. نشان می دهد نقش عطار در پردازش و خلق آثار ارزشمند عرفانی بی معرفتی قطعا نقشی بی بدیل و جاودانه است.

شهر سوم

بسیار خوش باورانه است اگر شخصیتی همچون عطار نیشابوری را صرفا یک شاعر یا شخصیت ادبی بزرگ دانست. چرا که بنا بر مدعاها ی تاریخی، پیر نیشابور کسی بوده است که در سفر یا مهاجرت بهاء الدین ولد، پدر مولوی که به خاطر بیم از حمله مغول از شهر بلخ عازم قونیه شده است، در راه که از نیشابور می گذشتند، در دیداری که با جناب شیخ فریدالدین عطار داشتند، او بشارت ولی شدن مولانا در سنین طفولیت را به پدر او می دهد و این کار از عهده کسی بر نمی آید مگر پیروی شناس و آینه بین یا آینده بین که در سیمای مولوی کودک قدوقامت معنوی بزرگ سالی او را می بیند و حتی کتاب «مصیبت نامه» خویش را به او تقدیم می کند. ازاین رو مولانا جلال الدین محمد بلخی در سنین بزرگ سالی و در اوج کمال معنوی خویش بدین معنای بزرگ در طی مدارج حقیقی و معنوی عطار شهادت می دهد. آنجا که صادقانه و دلدارانه می سراید: هفت شهر عشق را عطار گشت/ ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم.

با آنجا که مولانا می گوید: عطار روح بود و سنایی دو چشم او/ ما از بی سنایی و عطار آمدیم. یا در بیتی دیگر که این گونه سروده است: اگر عطار عاشق بُد، سنایی شاه و فائق بُد/ نه اینم من نه آثم من که گم کردم سر و پا را.

و حتی بر داندنگان زبان و پرداخت های ادبی پوشیده نیست که حتی کتاب درسی و پرآموزه های حکمی و عرفانی «مثنوی معنوی» مولانا جلال الدین به شیوه و روش «حدیقه الحقیقه» ثنایی و کتاب «الهی نامه» عطار سروده و طبع شده است .

شهر پنجم

بعد از حکیم سنایی، آن که راه او را پی می گیرد، شیخ عطار است و عطار بزرگ چونا ن سلف خویش به جای اینکه شعر را و قریحه نباش را در خدمت دربار پادشاهان یا تمتعات فردی دیگر خرج کند، شعر را محملگاهی برای بیان بهترین و بزرگ ترین آموزه های بشری که انسان را به فووز و به رستگاری حقیقی می رساند، قرار می دهد. بنابراین، گزاره نیست که شعر شاعرانی مانند سنایی و عطار و مولوی را قبل از ایجاد سبک عراقی یا تمام تغزلات عاشقانه و عارفانه اش و قبل از ظهور حضرت سعدی و حضرت لسان الیقب حافظ شیرازی، بستری برای واکشیدن و رهیایی شعر و آثار والا و اثرگذارش در قلوب و زندگی مردم و در تربیت فکری و تذهیب عملی انسان های ره جو و سالک طریق حق و حقیقت دانست که از قِبل سرایش شعرشان کلاس های درسی عمومی، همه گیر و والایی برای تمام خوانندگان و جویندگان اسرار و رازهای آفرینش و رازهای باطنی انسان فراهم می کند و دانسته می شود با این تفاوت که در زبان عطار ما به همان اندازه که محتوا و معنای شعر به سمت آموزشی و راهیابی مردم حرکت می کند، زبان شعر هم از قاضی بودن سبک خراسانی و پیچیدگی لغات و اصلاحات به اصطلاح سخت و دیرپاب در شعر به سمت سادگی و روانی و سهل الفهم بودن بیشتر به راه می افتد و جلوه می نماید و به نسبت مثلا کتاب های «سیرالعباد الی المعاد»، یا «حدیقه الحقایق» سنایی که فهم سخت تری دارند و بیشتر خواص جامعه را در داندنکی زبان شعر مخاطب خویش قرار می دهند، کتاب های پیر نیشابور زبان ساده تر و عامیانه فهم تری را در پیش می گیرد؛ چه آنجا که در «منطق الطیر» بالاترین و والاترین رازهای سلوک عرفانی را در زبانی شیرین و روانی منظوم او قول و قرار مرغان بیان می کند و چه در کتاب های گران سنگ دیگرش همچون «الهی نامه» و «اسرارنامه» و «مصیبت نامه» و «هیلاج نامه» یا مثنوی های بسیار زیبا و ارزشمندشان و آنچه ما در روزگاریمان به نام دیوان غزلیات عطار می شناسیم که دربردارنده قصایدی چند و حتی ترکیب بند و ترجیع بندهایی است از حضرت ایشان و بی شک به همراه آنچه از مولاید فکری و ذوقی مولانا جلال الدین و غزل های شورمندش در دیوان کبیر یا شمس می خوانیم، مقدمه ای است بهترین و بهترساز بر بهترین و والاترین غزلیات تاریخ ادب فارسی که در طبع و اثر حافظ و سعدی رخ نموده و حتی زبان معیار فارسی را تا همین امروز از لطافت و از برخورداری های زبانشناسانه خویش بهره مند و فرهمند ساخته است. این همان راستین و مردمین شعر عرفانی است که از برکات آثار شیخ فریدالدین عطار و روهروان بعد از او سر زده و برای ما به یادگار باقی مانده است .

شهر هفتم

اگر بر اساس برخی مستندات تاریخی بپذیریم که شیخ فریدالدین عطار در سنین کهولت و پیری در حمله مغولان به شهر بزرگ و علم پرور نیشابور مقتول گشته و جان به لقای جانان برده است، من دوست می دارم ایشان را از شهدای عشق الهی خطاب کنم که توسط جاهلان و معناشناسان و غارتگران به ساحت عظیم الشان انسان به فوز شهادت و سعادت رسیده است و از پیری چنین فرزانه و رازدان و والا که آثار و کلماتش قلوب بسیاری را هم در عصر خویش و هم در طی قرون و ادوار و اعصار بعد از خویش به گرم و روشنا و معرفت کشانده و رسانده است نیز به جز چنین فرجام و سرانجامی توقع نیست که حضرت رحمت للعالمین فرمودند هرکس عاشق باشد و بمیرد، قطعا شهید مرده است و عشق به خداوند اول و آخر و ظاهر و باطن و عشق به انبیا و

۷ شهر عشق

همراه و هم راز با سیمرغ

مروری بر آثار و احوال شیخ فریدالدین عطار نیشابوری به مناسبت

بزرگداشت این شاعر

شهر دوم

مثلت شعر روایی عرفانی ایران زمین که حاصل کوشش ها و جوشش های خالصانه سه شخصیت ادبی یعنی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، حکیم سنایی غزنوی و مولانا جلال الدین محمد بلخی است، در آن زمان است و آثار بی بدیلی که این سه شاعر بزرگ ایران به تشنگان معرفت و معنویت در ادب فارسی تقدیم کردند، مثلی است که به تعبیری اگر نگوییم به تمام دقایق و ظرایف سلوک و عرفان در آثار خویش پرداختند، دست کم مهمات و اصول و فروع شعر عرفانی را در آثار خویش به کمال رساندند تا آنجا که بسیاری بر این باورند که آنچه شاعران بعد از ایشان در شعر عارفانه و مغاللات عرفانی بدان پرداختند، نحوه دیگری و نقش بدیعی بود بر همان اسرار و رازهایی که این سه شخصیت مهم تاریخی در ادب فارسی سرودند و خلق کردند و حتی بیش از این تا بدان جا که برخی معترف شدند، ایشان هیچ حرفی را ناگفته باقی نگذاشتند و حرف ها را در این وادی تمام کردند. در این وادی، یعنی در هفت شهر عشق .

شهر چهارم

در بین شاعران و ناظمان ادب پارسی کم اند شاعرانی که هم در شعر و فنون سرایش شعر سری بین سرهای بزرگ یافته اند و بر قله های ادب این سرزمین نشسته اند و هم کلام و نوشتار متنورشان خود حاکی از بزرگی و عظمت شأنی است در نگارش متون یا آموزه ها و قصصی که کتابی هم وزن و هم سنگ دواوین شعر از خود به یادگار گذاشته باشند و شیخ فریدالدین عطار در کتاب ارجمند و بالابند، «تذکره الاولایا، ی خویش که الحق از بهترین و خاص ترین متون متنور عرفان ایرانی اسلامی است، اثری را برای ما و همه علاقه مندان و شیفتگان معارف خاص و آموزنده از زندگی، احوال و اقوال شیوخ صوفیه و عرفای دیگر این جغرافیای فکری گردآوری کرده و به رشته تحریر درآورده و تقدیم کرده است که با انصاف تمام از جامع ترین و زیباترین این نوع کتاب های تذکره نویسی در طول قرون حاضر بوده است.

همچنین، ما شناخت و معرفت بیشتر نسبت به بسیاری از عرفای ذکرکرده و شرح حال زیست و سخنان و قصه هایی را که از ایشان نقل شده است، مرهون این اثر لطیف و زیبای منثور او هستیم، چنان که حظ دوچندانی از کلام و اثر متنور شیخ اجل در خوانش کتاب شریف «گلستان» او و می بریم یا برای ما «فیہ مافیه»، مولانا و «مقالات»، شمس الحق تبریزی قدر و منزلتی خاص در آثار منثور عرفانی دارد.

کتاب، «تذکره الاولایا، ی پیر نیشابور انگار گل سرآمد همه کتب منثور عرفانی است که به شیوه ای زیبا و اثرگذار نگاشته شده است و تا امروز این کتاب محل مذاقه خلوت نشینان و راهگشای بسیاری از محققان و طالبان علم و اخلاق و معرفت و فضیلت در عرفان اسلامی بوده است. آن هم به زبان زیبا و شیوای فارسی .

شهر ششم

ارادت و محبت بسیار پیر نیشابور را به حضرات عشق، اهل بیت ^(ع) عصمت و طهارت، در نقاط و مراتب بسیاری از آثار ادبی او می توان دید و برخواند. چه آنجا که به باور خود کتاب گران قدر «تذکره الاولایا»، یش را از باب تبرک و تیمم با ذکر امام جعفرصادق ^(ع) امام ششم شیعیان شروع می کند و با ذکر امام محمدباقر ^(ع)، حضرت باقرالعلوم، به اهل بیت می رساند یا در سرتاسر آثار و مثنوی هایش که با عشقی وصف ناشدنی در وصف امام اول شیعیان حضرت مولي الموالی علی بن ابی طالب^(ع)، ذُسرایی می کند و طبع بلندش را پیشکش به نعت و منقبت و مدیح شخنه و شاه نجف می کند. این موضوع نه تنها بر آنانی که شناسای شعر و هنرمندی های پیر نیشابورند، پوشیده نیست، بلکه خود مجالی مفصل و مبسوط می طلبد تا صرفا در این باب و از در این معانی والا به شعر او درنگریست و میزان ارادت و محبتش را در سروده هایش نسبت به اهل بیت رسول آخرین ^(ص) خواند و ستجید. برای نمونه فقط دو بیت از ایشان را می نگارم با همین مضامین که البته ابیات و اشعار او در این زمینه بسیار متعددند و در جای جای کتاب هایش خود پرده از این ارادت و دل سپاری به حضرات آل ... برمی دارد: ز مشرق تا به مغرب گر امام است/ امیرالمؤمنین حیدر تمام است / اگر خاکش شوی، حسن الثواب است / که او هم بوالحسن هم پوتراب است. و همچنین سروده های دیگری در وصف و نعت امام حسن مجتبی ^(ع) و حضرت سیدالشهدا ^(ع) و به ویژه علاقه ای که به حضرت موعود^(ع) داشته است و شعرهایی که حامل عطر مهدوی است که در همین حد اشارت گون در این مقال و مجال کوتاه برای این نوشته پرتقصیر من کافی است و برای خوانندگان آن مقالات بسیاری از محققان و ادبای عزیز سرزمینمان نگاشته و نوشته شده است که حتی در فضای مجازی هم می توان به بسیاری از آن نوشته ها و مقالات به سادگی دست یافت.



ره میخانه و مسجد کدام است که هر دو بر من مسکین حرام است نه در مسجد گذارندم که رند است نه در میخانه کاین خمار خام است میان مسجد و میخانه راهی است بجوید ای عزیزان کاین کدام است به میخانه امامی مست خفته است نمی دانم که آن بت را چه نام است مرا کعبه خرابات است امروز حریم قاضی و ساقی امام است برو عطار کو خود می شناسد که سرور کیست سرگردان کدام است

اولیای الهی در حرف حرف کلمات زیبا و روشن وجودش نمایان و آشکار است. برای ما خراسانی ها هم جواری با او و با مرقد شریفش و نام مبارکش مایه افتخار و سرور باطنی است، مشروط به اینکه از این دریاها ی پردرگوهری که برای ما از آثار وجود شهیدش به یادگار گذاشته است، گهرها بیاییم. غواصی ها کنیم و نکته ها بیاموزیم و پای در راه عشق جاوداتی او و امثال حضرتش بگذاریم. بهترین حسن خاتمه در این اشارت نویسی کوتاه بر مقام بالابند او چیزی نمی تواند بود به جز نگارش و خوانش دوباره غزلی بسیار زیبا از شعرها و سروده های او که در همین غزل می توان دقت نظر و راه نازک خیالی و طریق عاشقانه و عارفانه فردی او را به کمال ت زیبایی دریافت. خداوند او را با انبیا و اولیایی که در وصفشان شعرها سروده است، محشور و هم نشین گرداند .